

بررسی و تحلیل پارادایم اساسی قرآن در بیداری اسلامی با تأکید بر نظر قرآن پژوهان معاصر

هادی زینی ملک آباد (نویسنده مسئول)^۱

اصغر مهری^۲

سید ابالفاسم فضائلی^۳

چکیده

قرآن کریم به عنوان آخرین و جامع ترین کتاب آسمانی، برای مسائل گوناگون مرتبط با هدایت بشری پاسخ‌هایی روشن و کامل ارائه نموده است. یکی از ویژگی‌های برجسته هدایتی- تربیتی قرآن، بیداری بخشی و ارائه راهکارهای مناسب برای تمامی زمان‌ها است. نزول قرآن در دوران تاریک جهالت و بیدادگری، پیام بیداری و پیامبر، رسول بیداری بود. واکاوی کلیدواژه ذکر و نیز مفاهیم قصص و امثال قرآن و بسیاری از آیاتی که در مورد روز حسابگری نازل شده، روشن‌گر فرازهای بیدارگری در قرآن است. بررسی جامعه‌شناختی ملت‌های مسلمان در اوج بیدارگری نشان می‌دهد که قرآن تنها نسخه نجات بخشی بوده که بدان تمسک بسته‌اند. قرن ۱۴ در سده‌های اخیر از قرن‌هایی است که بازگشت به قرآن و اقبال به نگارش آثار قرآن پژوهی با تأکید بر بیداری بخشی مسلمانان به اوج خود رسیده است. این مقاله در نظر دارد با اشاره به مهم‌ترین فرازهای بیدارگری در قرآن و نیز مروری بر مهم‌ترین آثار قرآن پژوهان، به جایگاه قرآن به عنوان تنها مرجع بیدارگری در همه عصرهای بشری تأکید ورزد.

کلید واژگان: قرآن، پیامبر، بیداری، ذکر، قرآن پژوهان، قرن ۱۴

۱. دانشجو دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. zeinih@gmail.com

ORCID: 0000-0002-7771-9780

۲. دکترای علوم سیاسی، دانشکده شهید محلاتی ره، قم، ایران. asgharmehri1393@gmail.com

safazaeli@ut.ac.ir

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، ایران.

مقدمه

تاریخ و زمان جاهلیت همیشه موجود بوده و با چهره‌های مختلف حتی تا زمان حاضر و بعد از آمدن اسلام ادامه دارد. ایدۀ جاهلیت معاصر علاوه بر محمد عبده و رشید رضا توسط متجددان و طرفداران احیای مذهبی چون مودودی (۱۹۷۹) در هند و پاکستان و سید قطب در مصر با شدت بیشتری اظهار شده است؛ مودودی جاهلیت را این‌گونه معنا می‌کند: هر رفتاری که در تقابل با فرهنگ اسلامی، اخلاق و روش اسلامی در حوزه تفکر و عمل (عمل و عقیده) باشد. که هر دو رفتار را دنیای غرب و کمونیست داشت. سید قطب نیز مانند چنین موضعی را انتخاب نموده و فراتر رفته و جاهلیت را در سطح جامعه تعریف نموده و می‌گوید: هر جامعه‌ای که هدایت خدا را در تمام زمینه‌های زندگی به خدمت نگیرد جاهلی است. چنین جوامعی به جای خدا در خدمت انسان هستند و در نتیجه غیر عادلانه، غیر انسانی و عقب مانده‌اند. تنها جامعه اسلامی می‌تواند به صورت واقعی متمدن باشد. از این دیدگاه، جاهلیت معاصر حداقل به بدی جاهلیت زمان پیامبر (ص) است. شپرد^۱ با استناد به باور سید قطب در ادامه اظهار می‌دارد که جاهلیت در حال حاضر نه تنها در جوامع غربی و کمونیستی بلکه در جوامع به اصطلاح اسلامی نیز وجود دارد (William E. Shepard, 2002, V.1 . p . 38)

مقدمه مختصر فوق که از مقاله «عصر جاهلیت» در دایرةالمعارف قرآن لیدن نقل شد در پی تأکید بر این است که جاهلیت در هر زمانی وجود دارد. چون درد بکی است لاجرم درمان نیز یکسان است. نتیجه‌ای که بر این قضیه متفرع می‌شود این است در هر زمان تنها قرآن و آیین اسلام نجات‌بخش جامعه جاهلی است. بر این اساس، پرسش‌های این پژوهش این است که: ۱- بر اساس نظرات قرآن‌پژوهان معاصر پارادایم اساسی قرآن که توانایی نجات‌بخشی و بیداری‌گری دارد چیست؟ ۲- با توجه به مظاهر جاهلیت مدرن قرآن‌پژوهان معاصر چگونه به رمزگشایی مؤلفه‌های مولد بیداری‌گری قرآن پرداخته‌اند؟ ۳- ماهیت بیداری قرن ۱۴ هجری و خاستگاه آن چیست؟

1. Shepard

۱. پارادایم اساسی قرآن در بیداری گری

داشتن محتوی غنی تأمین کننده سعادت بشری و همچنین قابلیت کاربست همه‌زمانی و همه‌مکانی، مهم‌ترین پارادایم قرآن در بیداری گری است. در زیر به تفصیل به مؤلفه‌های این پارادایم پرداخته می‌شود.

۱-۲. قرآن کتاب سعادت و روشنگری

به گواهی بسیاری از آیات، قرآن کتابی است که سعادت بشریت را رقم می‌زند (آل عمران: ۱۳۸؛ ابراهیم: ۱؛ نحل: ۸۹؛ اسراء: ۹؛ ص: ۲۹).

در زندگی هرکسی، لحظاتی وجود دارد که تشخیص حق از باطل کاری سخت و غیرممکن می‌گردد؛ شناخت درست قرآن و باور راسخ به این‌که قرآن ناجی انسان در لحظات پریشانی است، جایگاه قرآن را بیش از پیش روشن می‌سازد. پیامبر اسلام منادی هوشیاری بشریت می‌فرماید: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدِّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرٍ سَبِيلٍ... فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۰۰)؛ یعنی هرگاه فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تاریک شما را فرو پوشانند، به قرآن پناه ببرید؛ زیرا قرآن شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعت او پذیرفته است و شکایت‌کننده‌ای است که سخنش تأیید می‌شود. هر که قرآن را پیشوای خود قرار دهد، او را به بهشت رهنمون سازد و هر که قرآن را پشت سر اندازد، به دوزخ راه برد. قرآن کتابی است که به بهترین راه راهنمایی می‌کند... چراغ‌های هدایت و نشانه‌های حکمت در اوست.

حضرت امام حسن (ع) نیز به نقل از پیامبر (ص) با مضمونی مشابه می‌فرماید که به ایشان (رسول خدا) عرض شد که به‌زودی امت شما در فتنه‌ها گرفتار می‌شوند. پس، از ایشان از راه‌هایی از آثار زیان‌بار این فتنه‌ها پرسیده شد. حضرت فرمود: «کتابی که نه در عصر نزولش باطلی در آن رخنه می‌کند و نه تا قیامت کتابی که از ناحیه خدای حکیم حمید نازل شده». کسی

۱. در این پژوهش فارغ از این‌که آیا تبیین فلسفی یا جامعه‌شناختی «پارادایم» موردنظر است، تنها به یکی از مؤلفه‌های پارادایم یعنی «مبانی نظری، اصول موضوعه و عناصر کلان» در خصوص بیداری‌گری قرآن از منظر قرآن پرداخته شده است.

که علم و دانش نجات از فتنه‌ها و گرفتاری‌ها را از غیر قرآن بجوید، خداوند او را گمراه می‌سازد. این قرآن ذکر خدا است و از حیث آیات و بیاناتش محکم بوده و به هیچ وجه باطل در آن رخنه نمی‌کند. قرآن هم خودش واضح و روشن است و هم روشن‌کننده معارف و حقایق مرتبط با مبدأ و معاد است؛ قرآن راه سعادت و دریافت نعمت‌های پررودگار است؛ اخبار پیشینیان و آیندگان را در خود دارد؛ در امور اختلافی حکم و داوری درست می‌کند؛ قرآن جداکننده حق از باطل و کلام خالی از شوخی و بیهوده‌گویی است. قرآن کتابی است که جمعی از جنیان پس از آن که آن را شنیدند، این چنین به اعجاز آن اعتراف نمودند که: «کلامی عجیب و پرجاذبه و پرنفوذ شنیده‌ایم که به‌سوی عقاید و اعمالی دعوت می‌کرد که دارنده آن‌ها را در جهت نیل به حقیقت سعادت پیروز می‌گرداند و از این‌روی ما به آن ایمان آورده‌ایم».

قرآن کتابی است که با مرور زمان به کهنگی نمی‌گراید، عبرت‌های آن تمام‌شدنی نیست و شگفتی‌ها و اسرار عجیب هستی که در درون خود دارد، پایان نمی‌یابد (نک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۹، ص ۲۷).

۲-۲. عمومیت خطاب و جامعیت قرآن (فرازمانی - فرامکانی)

خدای اسلام، به تعبیر قرآن، خدایی بیدار و مراقب است که «لَا تَأْخُذُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ» (بقره: ۲۵۵) و قرآن نیز که کلام الهی است بهار دلها، شفای دردها، سرچشمه دانش‌ها، زداينده تیرگی‌ها و مهم‌ترین، استوارترین و ارجمندترین مستند شناخت، معرفت و بیداری است.

قرآن سفره گسترده الهی است و سرشار از زیبایی‌ها و آکنده از حقایق جان‌پرور و آموزه‌های چشم‌نواز و شوق‌انگیز؛ آیات الهی از همان روزگاران که بر مردمان فرو خوانده شد و گلبانگ بیدارگرش بر جان‌ها نشست و قلب‌ها را لرزاند و خرده‌ها را شوراند و اندیشه‌ها را بیدار کرد هزاران هزار اندیشه، همت و تلاش را معطوف خود ساخت. قرآن برای همه آنانی که در اندیشه مقصدی والا و مقصودی اعلا بودند چراغ راه بود و دست‌مایه هدایت. و برای همه هدایت‌گرانی که در اندیشه بیدارسازی مردمان از بام تا شام می‌کوشیدند برترین عامل بیداری آفرینی بود و مهم‌ترین مستند (مهدوی راد، ۱۳۸۲، ص ۲۳۴).

از ابعاد اعجاز قرآن، آسان‌فهمی قرآن است. قرآن شریف، کانون آسانی‌هاست. فهمش آسان، حفظش آسان و قوانینش آسان است در حالی که غنی‌ترین کتاب جهان است. مسئله

آسان‌فهمی قرآن چهار بار در سوره قمر با تأکید ذکر شده است. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ...» (قمر: آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰)؛ «سوگند، ما قرآن را برای یادآوری آسان کردیم». قرآن، یک پیام است پیام برای بیداری، برای هوشیاری، برای حرکت، برای ایجاد حیات نوین اجتماعی و انسانی و این پیام باید آسان‌فهم باشد تا رشد ایجاد کند. و خروش و شور و شعور و جهش و انقلاب پدید آورد (عرفان، ۱۳۷۹، ص: ۹۹).

اما در کنار خطاب عمومی قرآن که مخاطبان آن عامه مردم هستند و همگان با مراجعه به قرآن به اندازه‌توان خود از علوم و معارف آن بهره‌مند می‌شوند. مقام خطاب ویژه‌ای نیز دارد که اسرار فراوانی در این ساحت رخ‌نمایی می‌کند؛ مقام خطاب ویژه مختص حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام است و دیگران در این مرتبه از قرآن جز از رهگذر تمسک به پیامبر و اهل‌بیت ایشان بهره‌ای ندارند (ملکی میانجی، ۱۳۸۹، ص ۲۶).

علامه طباطبایی نیز با تأکید بر این مبنای مهم می‌نویسد: قرآن در عین روشن‌گر بودن و نورانیت، سخن سنگین و گرانبار الهی و دربردارنده حقایق بلند است، از این رو فهم و دریافت آن و عمل به آن، هر یک مستدعی ظرفیت‌هایی مناسب، جان‌هایی مستعد و اراده‌هایی استوار است. بنابراین قرآن در عین آنکه از لحاظ وضوح و گویایی حدنصاب هدایت را بر همگان ارزانی می‌دارد، اما ظرفیتی بی‌کران برای کمال جوین خستگی‌ناپذیر دارد که می‌تواند آنان را به سوی کمالات بی‌انتهای پیش برد، بدین جهت زبانی سنگین و ژرف دارد (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۶۱).

علاوه بر اهمیت و مبنای عمومیت خطاب قرآن، ویژگی دیگری نیز وجود دارد که اثرگذاری و بُرد معارف و احکام قرآن را بیشتر روشن می‌سازد و آن جامعیت آن است؛ حضرت علی (ع) در مورد جامعیت و فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تُظْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ وَ بَحْرًا لَا يَدْرُكُ قَعْرُهُ وَ مِنْهَا جَا لَا يَضِلُّ نَهْجُهُ وَ شِعَاعًا لَا يَظْلِمُ ضَوْؤُهُ وَ فُرْقَانًا لَا يَخْمَدُ بُرْهَانُهُ وَ تَبْيَانًا لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ وَ شِفَاءٌ لَا تُخْشَى أَسْفَاؤُهُ وَ عِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ وَ حَقًّا لَا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَةُ وَ يَتَابِعُ الْعِلْمِ...» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۹۴)؛ یعنی.... کتاب آسمانی (قرآن) را بر او نازل فرمود؛ نوری که خاموشی ندارد، چراغی که فروغ آن پایان نمی‌پذیرد، دریایی که نمی‌توان به ژرفای آن دست‌یافت، راهی که گمراهی در آن وجود ندارد، شعاعی که روشنی آن به تیرگی نمی‌گراید، جداکننده حق از باطل که

استواری دلیلش سست نمی‌گردد و بیانگری است که ارکان آن منهدم فرو نمی‌ریزد، شفای است که بیماری بدان راه ندارد و بزرگی و عزتی است که یارانش شکست نمی‌خورند و حقی است که یاوران آن در مانده نمی‌شوند معدن و مرکز ایمان و سرچشمه‌های علم است.

۲. مهم‌ترین مؤلفه‌های مولد بیداری در قرآن

پس از تبیین مهم‌ترین پارادایم قرآن یعنی غنای محتوا، عمومیت مخاطبان از یک‌سو و از دیگر سو فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن در این مجال مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که بیشترین تناسب با رسالت بیدارگری قرآن مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد.

۲-۱. ویژگی ذکر بودن قرآن^۱

این لفظ در بیست مورد از آیات الهی به عنوان نام قرآن آمده است. یکی از معانی «ذکر» شرف است و مناسبت این نام برای قرآن بدان علت است که رسول خدا (ص) با تبلیغش در مورد قرآن به آخرین درجه شرف رسیده، و نیز امت آن حضرت، بهترین و شریف‌ترین امت‌ها شده است؛ زیرا حامل نور قرآن و هدایت آن برای مردم جهان بوده و نیز با استناد به آیه «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْئَلُونَ» (زخرف: ۴۴) همچنین قرآن ذکر و تذکار است از جانب خدای تعالی برای بندگانش؛ به وسیله فرایض و احکام. از آن جهت که قرآن به موعظه‌ها و عبرت‌ها ضمیمه شده، و از امت‌های پیشین یادآوری می‌کند عامل بیداری افراد و ملت‌هاست (رادمنش، ۱۳۷۳، ص ۲۳۱). «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء: ۱۰) کلمه «ذکرکم» در آیه شریفه از لحاظ لغوی به معنای «یادآوری و حفظ چیزی» در مقابل غفلت است (نک: فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۴۷؛ ابن منظور، ۴۱۴ ج ۴، ص ۳۰۹؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۲۸).

۲-۲. مثل‌ها و قصه‌های قرآن و نقش آن در بیداری

امثال و تعبیرات و اصطلاحات رایج در میان هر قوم و ملت یکی از ارکان مهم زبان و آداب آن قوم و نموداری از ذوق و قریحه و صفات روحی و اخلاقی و افکار و تصورات و رسوم و عادات

۱. برای آگاهی از معنای ذکر و جایگاه آن در تفکر اندیشه‌ورزان قرآنی و نیز جایگاه آن در بیداری و غفلت زدایی (نک: مهدوی را، آفاق التفسیر، صص ۲۱۵-۲۳۳).

آن ملت است. این امثال در طی هزاران سال در میان اقوام مختلف جهان ظهور نمویافته و در هر کشور برحسب اختصاصات قومی و فرهنگی و آداب و سنن و مذهب و حتی وضع جغرافیایی و سیاسی آن کشور ویژگی‌های خاصی پیدا کرده‌اند.

اغلب امثال در لباس استعاره یا کنایه و یا در قالب کلامی موزون و دل‌نشین بیان شده‌اند و حاوی اندیشه‌ای عمیق و سودمند و یا انتقادی شدید و طنزآمیز از رفتار و گفتار آدمیان و نابسامانی‌های اخلاقی و وضع غلط جامعه هستند. این امثال را در روزگاران گذشته، مردمانی باذوق و حساس و شوخ‌طبع و نکته‌سنج و علاقه‌مند به تربیت و هدایت خلق ساخته‌اند. مردمی که به سبب عشق به حقیقت و راستی، از رواج ریاکاری یا فساد اخلاقی در جامعه سخت متأثر شده و برای فرونشاندن خشم خود و ابراز نفرت نسبت به برخی نابسامانی‌ها یا نجات گمراهان و ستم‌دیدگان و بیداری و تنبه هموعان، آنچه در دل داشته‌اند در قالب عباراتی کوتاه و پرمعنی به نام «مثل» ریخته و از طریق هزل و شوخی یا انتقاد و طعن و تمسخر سعی کرده‌اند که ما را در راه زندگی بیدار و هوشیار کنند و به ما بیاموزند که وظیفه ما در اجتماع چیست؟ لذا از جمله منابع مهمی که می‌تواند برای جامعه‌شناسان و کسانی که سیر تحولات اجتماعی یک جامعه را بررسی می‌کنند، بسیار راهگشا و مفید باشد، تمثیلات رایج در میان آنها است، چراکه مثال‌ها از کنه یک جامعه و از نهاد تمامی طبقات مردم سرچشمه می‌گیرد و حالات گوناگون و آداب و رسوم آنها و نوع نگاه آنها به زندگی و فراز و نشیب‌های آنها در بستر تاریخ را به خوبی به تصویر می‌کشد (ثواب، ۱۳۷۶، ص ۳۱).

قرآن کریم نیز در این زمینه نمونه‌هایی نظیر پشه، مگس، الاغ، سگ، گوسفند، عنکبوت، درخت، کف، باد، خاکستر، سنگ، باران، آب، شخص تشنه، سراب، دانه، کشتزار و گیاه، انسان کور و کر و گنگ، تاریکی، روشنائی، سنبله، سبز شدن، پژمرده شدن، عجزوزه، بنده و مولی و غیره، مثل آورده است و این مثل‌ها که برای تربیت و عبرت و تذکر و بیداری و فهم انسان‌ها آورده غیر از آن حکایات و قصصی است که بیان داشته است. یعنی غیر از آدم و بهشت او، ابراهیم و آتش نمود، موسی و عصای اژدها و «ید بیضایش»، بیداد فرعون و ایمان آسیه، لوط و سنگ باران قریه «سدوم»، هود و قوم تنومند عاد، ناقة صالح و قوم ثمود، شعیب و اصحاب مدین و آیکه، اصحاب «رس و فیل و کهف، قوم حجر و تبع، طالوت و جالوت، ذوالقرنین و قوم یاجوج و ماجوج، و یونس و بطن ماهی، حکایت همراهی موسی و بنده‌ای دانا که او را خضر نامند؛ همچنین غیر

از زکریا و یحیی، مریم و عیسی، قصه یعقوب، یوسف و زن عزیز مصر، داود و طین صدایش، مور و سلیمان، هدهد و بلقیس، سیل عرم و سد مأرب، مردن و زنده شدن عزیز و غیره است که این قصص هم بیان شده، شاید تفکر کنند و عبرت گیرند (همان، ص ۵). همچنانکه خداوند در تأکید آن فرمود: «فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف: ۱۷۶) و عبرتی است برای صاحبان عقل و خرد.

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِئِهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر: ۲۱) اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، بی‌گمان می‌دیدید که در برابرش خاشع و از ترس خدا متلاشی می‌شد. این مثل‌هایی است که برای مردم می‌زنیم تا شاید اندیشه کنند.

این تمثیل برای تذکار و بیداری انسان‌هایی است که دل‌هایشان در برابر قرآن، خاشع و تسلیم نمی‌گردد، بلکه کسانی از آنها مخالفت و دشمنی با قرآن نیز می‌کنند. حاصل سخن این‌که دست‌یابی به هدایت و سعادت‌تی که قرآن برای انسان می‌خواهد تنها از طریق تفکر و تعقل امکان‌پذیر است و بی‌شک تفکر و تعقل زمانی حاصل می‌گردد که تواضع و تسلیم وجود داشته باشد.

همچنین بررسی قصه‌های تاریخی قرآن در بیداری فکر انسان و شناختن علل خوشبختی و بدبختی گذشتگان عامل مؤثری بوده و به آدمی درس‌های عبرت‌انگیزی می‌آموزد و آنان را به مسائل اساسی نیک بختی و نکات حساس تربیتی ارشاد می‌نماید تا از عواملی که موجب انحراف و بدبختی پیشینیان شده دوری کنند و راه و روش نیکان را سرمشق زندگی خود قرار دهند و از فیض ایمان صحیح و اندرزهای قرآن عظیم بهره‌مند شوند. اصطلاح «قصه» در فرهنگ قرآن «پی‌جویی و تحلیل و بررسی حوادث مهم تاریخ انبیاء بر اساس بینش الهی» است که هدف از آن «عبرت و درس گرفتن از حوادث، برای زندگی جاری خود و تذکر و بیداری و تحوّل و تثبیت دل مؤمنین است» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۲).

خداوند متعال در عین اینکه در قصه‌های خود - که آنها را بهترین قصه‌ها نیز می‌نامد - شرح فداکاری انبیای الهی در راه ارشاد و هدایت اقوام و ملل گذشته را مکرر بیان نموده، ولی هدف اصلی از تکرار تمام آنها برای بیداری دل‌ها و سیر تکاملی و رشد عقلی افراد بشر است و تکرار مطلب نیست، زیرا در هر آیه مکرر، معنی و مفهوم خاص و غرض و مقصد معینی در نظر است

و در هر مورد به نکته ویژه‌ای اشاره می‌کند و هدف خاصی را تعقیب می‌نماید تا آدمی از راه نماز و روزه و سایر عبادات و همچنین پیروی از روش نیکان، راه سعادت و کامیابی و ثبات ایمان را به‌وسیله تکرار در یابد و به هدف و مقصود نهایی برسد (بیگلری، [بی‌تا]، ص ۱۰۴).

۲-۳. آیات هشداری نمودار از بیداری

از جمله عواملی که به بیداری و فعال شدن انگیزه دین‌داری در انسان کمک می‌کند، وجود خطرهایی است که در برخی اوقات زندگی، او را تهدید می‌کنند و تمام راه‌های نجات را در برابر او بسته، به‌طوری‌که هیچ‌گیزگاهی جز پناه بردن به خدا ندارد. در اینجا است که انسان با همان انگیزه فطری به‌سوی خدا کشیده می‌شود و از او برای برطرف کردن خطر، کمک و یاری می‌جوید (نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۶۹) خداوند در این مورد می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي يَسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن لَّا أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (یونس: ۲۲)؛ اوست آن‌که شمارا در خشکی و دریا سیر می‌دهد تا آنگاه که در کشتی نشینید و باد ملایمی کشتی را به حرکت آورد و شما شادمان و خوشوقت باشید که ناگاه باد تندی بوزد و کشتی از هر جانب به امواج خطر افتد و خود را در ورطه هلاکت بینید، آن زمان خدا را به اخلاص و دین فطرت بخوانید که بار خدایا اگر ما را از این خطر نجات بخشی دیگر همیشه (از کفر و عصیان دست کشیده) شکر و سپاس تو خواهیم کرد.

بسیاری از مفاهیم اعتقادی و اخلاقی و... -با الفاظ و تعابیر مختلف- در قرآن تکرار شده است. اما با توجه به سبک‌ها و روش‌های مختلفی که قرآن در ارائه حقایق خود از آنها استفاده کرده است، تکرار این مفاهیم ملال و کسالتی برای خواننده ایجاد نمی‌کند؛ چه اینکه هدف از این تکرار، فراهم ساختن زمینه بیداری و تذکر بیشتر برای انسان است. با توجه به این حقایق قرآن خود را عهده‌دار هدایت انسان دانسته و با همین مطلب با انسان به بحث می‌پردازد؛ برای نمونه در مورد ویژگی هدایت قرآنی در یکجا می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...» (الاسراء: ۹) یعنی این قرآن به‌سوی آئینی هدایت می‌کند که از هر آئینی بهتر و پاینده‌تر است (معارف، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

اهتمام قرآن نسبت به تشویق مردم به مشاهده و دقت و استقراء و کاوش علمی، از مهم‌ترین عواملی بود که اندیشمندان مسلمان را به تحصیل فعالانه و مجدانه دانش، باعقلی باز و آزاد از قید و بندهایی که در آن زمان عقول اندیشمندان اروپایی را به بند کشیده بود، وادار کرد و این خود به شتابگری پیشرفت علمی در میان مسلمانان کمک کرد. این نهضت علمی مسلمانان، در آینده بزرگ‌ترین اثر را در بیداری اندیشه اروپایی در طول مدت رنسانس اروپایی، داشته است. چون اندیشمندان اروپایی از تحقیقات مسلمانان و تألیفات علمی آنان، در زمینه‌های مختلف علوم، کمک گرفتند، چنان‌که از روش آنها در تحقیق نیز بهره جستند. کتب دانشمندان مسلمان در خلال قرون وسطی و حتی، اندکی پیش از رنسانس جدید اروپا، در دانشگاه‌های آنجا تدریس می‌شد (نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹).

۲-۳. نقش قرآن در حرکت‌های سیاسی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تأثیر قرآن کریم، نقش آموزه‌های قرآن در حرکت‌های سیاسی است. تعالیم قرآن بیش از هر چیز زمینه‌های بسیاری در شعله‌ور کردن انگیزه‌های حرکت و مبارزه و قیام را فراهم ساخته و می‌سازد و با طرح برخی مباحث، زمینه حرکت‌های سیاسی و افشای ماهیت دشمنان اسلام و مسلمین را فراهم ساخته و در حقیقت، زمینه جبهه‌گیری و صف‌بندی میان ایمان و کفر به وجود آورده است؛ برای نمونه: واژه طاغوت و ائمه کفر ظلم و ظالم از واژه‌هایی است که در قرآن بارها به کار رفته و بار سیاسی و سوژه جهت‌گیری‌های انقلابی را در کف مبارزان مسلمان قرار داده است (نک: ایازی، ۱۳۸۱، ص ۵۲ و نیز نک: نساء: ۷۵، بقره: ۱۹۳، نحل: ۳۶، انفال: ۱۵، انعام: ۱۲۹، قصص: ۲۸، نحل: ۹۰، یونس: ۹۰).

قرآن همچنین یکی از اهداف بعثت پیامبران را پرستش خداوند و جبهه‌گیری در برابر طاغوت می‌داند (نحل: ۳۶) مبارزه با ستم و ستمگران و دشمنی قلبی و عملی با آنان (نساء: ۷۵؛ حج: ۳۹؛ هود: ۱۱۳). حاصل سخن این‌که پیامبر اسلام، پیامبر آگاهی، و قرآن پیام بیداری بود. پس از پیامبر تا سال چهلیم بیداری امت اسلامی کم‌وبیش ادامه داشت. لیکن بنی‌امیه چنین وضعی را نمی‌توانستند تحمل کنند و آگاهی و بیداری با موجودیت ایشان در تضاد بود؛ لذا سعی و تلاش ظالمانه خویش را در جهت خفتن بیداران، بریدن زبان‌ها و شکستن قلم‌های بیدارکننده به کار بستند. آنها با استفاده از تبلیغات شدید در جمعه‌ها و جماعات و همچنین با استفاده از

شاعران و محدثان، در جهت تثبیت پایه‌های قدرت و حاکمیت و سلطنت خویش کوشیدند و ولایت و ستم‌های خویش را با مشیت و اراده الهی توجیه نموده و با بستن اراده و عقل جامعه، زمینه را برای مهبجوریت قرآن در اعصار مختلف رقم زدند؛ برنامه شومی که ضربات مهلکی را به اسلام و مسلمانان وارد کرده است.

اما با مراجعه به تاریخ سیاسی جهان اسلام به‌ویژه در قرن‌های اخیر، در کشورهایی که مسلمانان با استعمارگران مبارزه داشته‌اند، نقش دوباره قرآن در تحریک بخشیدن و انرژی دادن به مبارزان و حفظ و تقویت روحیه آنان آشکار می‌گردد و البته در این زمینه نباید از نقش هدایتی و اصلاح جهان‌بینی قرآن در محو خرافات و شکستن بت‌های اجتماعی و موهوم و تربیت و آماده کردن مبارزان، غافل بود و نقش قرآن را در جهت رشد حرکت‌های سیاسی نادیده انگاشت.

در این راستا شعار بازگشت به قرآن در حرکت‌های اصلاح طلبانه افرادی؛ همچون، سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده، نوعی حرکت سیاسی، در جهت مبارزه با استعمار و اتحاد اسلام برای تشکیل یک نظام اسلامی بود. آنان با انتشار مجله عروة الوثقی (چنگ زدن به ریسمان خدا، واژه‌ای قرآنی و کنایه از تمسک به قرآن و اتحاد مسلمانان)، از مبارزه اجتماعی و اصلاح دینی سخن می‌گفتند و استدلال‌های خودشان را مشحون از آیات قرآنی می‌کردند و هدفشان از این شعارها مبارزه با استعمار، دیکتاتوری و حکومت‌های خودکامه در کشورهای اسلامی و حاکمیت یافتن قوانین اسلامی بود. بدین جهت، شعار بازگشت به قرآن در دو قرن اخیر، نهضت بیداری و آگاهی از تمدن اسلامی و مبارزه با فرهنگ استعماری غرب بود. به‌عنوان نمونه، آیت‌الله طالقانی با نگارش تفسیر «پرتویی از قرآن»، باهدف بازگشت به قرآن برای نهضت بیداری مسلمانان ایران بود؛ چنانکه شیوة تفسیر او نقش هشداردهی نسبت به خطرات و آفات نهضت اسلامی را داشت (ایازی، ۱۳۸۱، ص ۵۲ و ۵۳).

۳. ماهیت پدیدارشناسانه و خاستگاه بیداری قرن ۱۴ هجری

شناخت بستر فرهنگی و اجتماعی تحولات سازمان‌دهنده بیداری اسلامی در قرن ۱۴ هجری، بیش‌ازپیش به بازتولید کاربردی مؤلفه‌های بیداری کمک می‌کند. در ادامه، مهم‌ترین جغرافیای این بستر در قرن ۱۴ هجری و نیز مظاهر مهم آن مورد بازبینی قرار می‌گیرد.

۳-۱. رخ‌نمایی بیداری قرآن در قرن ۱۴

در اواخر سده نوزدهم و سپس بیستم میلادی (قرن‌های ۱۳ و به ویژه ۱۴ هجری)، اندیشه‌های جدید غربی در جهان خاموش و افسرده مسلمانان، راه یافت و تحولات و مقتضیات اجتماعی و فرهنگی تازه‌ای ظاهر شد. در فضایی از تجددخواهی و نواندیشی جدید، موجی از تحرک دینی پدید آمد.

در چنین فضایی فکری، جامعه مسلمانان از خواب بیدار می‌شوند، پس از قرن‌ها ضعف و عقب‌ماندگی، یک‌باره خود را با فرهنگ و تمدن جدید به‌ظاهر آراسته‌ای مواجه می‌بینند که این بار از مغرب زمین سر برآورده است. به خاطر تاریخی دوره طلایی نخستین خویش پناه می‌برند که چگونه عرب در پرتو دعوت توحید به جنبش درآمد و از پراکندگی، جاهلیت، عقب‌ماندگی و انزوای جغرافیایی بیرون شد و پیش رفت و در پی آن، مردمان دیگر و از جمله ایرانیان نیز، به هر دلیل و با هر ترتیبی بود، آیین اسلام را پذیرفتند و همه دست در دست هم تمدن تازه وسیعی را بنیان نهادند. آنان امروز با حسرت و اندوه می‌بینند که چگونه غربیانی که روزگاری به دانشگاه‌ها و مدارس مسلمانان می‌آمدند و آثار آنان را ترجمه می‌کردند، اکنون بسی پیش افتاده‌اند و از مسلمانان گوی سبقت ربوده‌اند. به همین دلیل نخستین عالمان اصلاح‌طلب ما - مانند سید جمال و عبده و دیگران - چاره را در احیای بازرگشت به طریقه سلف صالح جستند و کوشیدند نقش متکلمان سده‌های دوم و پس از آن را بر عهده بگیرند. یعنی از یک‌سو معلومات جدید روزگارشان را تحصیل کنند (هرچند با اخذ و اقتباس از دستاوردها و رهیافت‌ها و تجارب دیگران و با استفاده از روش‌ها و امکانات تازه علمی) و از سوی دیگر ارزش‌ها، میراث و هویت مذهبی خویش را حفظ نمایند و بدین ترتیب، سعادت دینی و دنیوی مسلمانان را باهم پیوند دهند (فراستخواه، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

در واقع، همان‌گونه که در آغاز سده ۳ و ۴ هجری، باز شدن دریچه‌ها به جهان متمدن آن روزگار، به گفت‌وگو بر سر مسائل و مقولات دینی دامن زد و علم کلام رشد کرد و از جمله، مسلمانان برای دفاع از اعجاز قرآن در زبان آن کارکردند. در دوره معاصر نیز همین قضیه اتفاق افتاد و برخورد با تمدن جدید موجب تحوّل فکری و ادبی و پیدایش کلام جدید شد و در این میان به راهبردهای تازه‌ای در جانب‌داری از اصالت‌های دین، و از جمله دفاع از اعجاز و بیان قرآن و زبان آن، احساس نیاز شد.

در این باره و در حوزه تفسیر قرآن نیز، تفاسیر سیاسی - اجتماعی و نیز علمی و با عصری که بر

بیشینه آن روح عقل‌گرایی حاکم است، هر یک به‌گونه‌ای عقل‌گرایانه کوشیدند تا نیاز مسلمانان امروز را پاسخ‌گویند. در ذیل، پس از جستاری در زمینه‌های چنین رویکردی، فعالان عرصه بیداری و احیای معارف ضد استعماری قرآن مورد اشاره قرار می‌گیرند.

در اینکه اسلام چندین قرن مشعل‌دار علم و تمدن جهان بوده شکی نیست، اما رکود علمی چندین قرنی مسلمانان و دوره طولانی مدت ایشان از دوران قدرت همه‌جانبه، کم‌کم در ذهن مردمان کم‌اطلاع، این پندار غلط را ایجاد کرده بود که عقب‌افتادگی مسلمانان، نتیجه و محصول تعالیم اسلام است و نه محصول جهالت به معارف اسلام و فرار از مسئولیت خود مسلمانان. اسلام به‌ذات خود ندارد عیبی *** هر عیب که هست از مسلمانی ماست.

پس از دوران قرون وسطی و فتوحاتی که برای علوم طبیعی و ریاضی، به‌صورت تسلط بر طبیعت و استخدام نیروهای پنهان‌شده، در همین جهان به شکل اختراعات برای بشر دست داد، به شهادت تاریخ در اروپا که کانون این جهش بود، به موازات پیشرفت علوم و صنایع، ایمان متداول و قدرت‌های مذهبی سستی یافت؛ به‌گونه‌ای که قدرتمندان و سرمایه‌داران، از آنجاکه وجود دین و ایمان مردم را مانع تسلط کامل بر سرمایه‌های مادی و انسانی می‌یافتند، از این‌رو به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمنان دین، با انواع حربه‌ها برای نابودی آن تلاش کردند و بزرگ‌ترین ابزار مخرب این استعمارگران، ایجاد تردید و تزلزل در اعتقادات دینی ملت‌ها بود که باعث ایجاد اختلافات و تفرقه‌های مذهبی شد.

۲-۳. معتزلیان و بیداری عصر جدید

خاستگاه پیش‌تازان عرصه بیداری، مانند سید جمال و پیروان او، مرهون نهضتی به نام معتزلیان جدید به رهبری «سر سید احمدخان» (۱۸۱۷-۱۸۹۸ م.) در هند بود که به پیروی معتزلیان قدیم، آزادی و استنباط را رواج می‌داد. معتزلیان جدید این فکر را تبلیغ می‌کردند که اسلام نه تنها سنگ راه تمدن نیست، بلکه مبادی آن عالی‌ترین اصول پیشرفت‌های عقلی و علمی و اجتماعی است و بهتر می‌تواند ترقی را توجیه و برای نیل به آن ترغیب و تشویق نماید.

تهمت ارتجاع و عدم پویایی تعالیم اسلام، از تأثیرات این فهم نارسا است که ارزش‌های دینی، اموری مختصر و نسبی و موقت بوده‌اند که شرایط خاص زمان و مکان آنها را ایجاب نموده و از این‌رو، گسترش آنها در تمام زمان‌ها بدون تغییر و تبدیل، زندگانی مسلمانان را جامد و

بی حرکت می‌سازد. بدین ترتیب چون بیگانه‌ای چنین وضعی را ببیند، می‌گوید خواستن پیشرفت و ترقی از اسلام همچون خواستن لوازم مربع از دایره است. اما اگر آن امور موقت را بر همان اوقات مقصور نموده و به زمان‌های بعد سریان ندهند، دین اسلام پرچم‌دار نهضت ترقی و آبادی و تمدن خواهد بود. پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان بانی دین، بالاترین مراتب تقدیس را به خرد و اندیشه اختصاص داده و البته روشن است که همین تقدیس خرد و اندیشه است که پیغمبر اسلام را از همه رهبران دینی جهان متمایز و تمدن اسلامی را در جهان حاکم ساخت.

هماهنگی نظام اسلام، با هر مرتبه از مراتب پیشرفت، دال بر حکمت مؤسس آن است. پیغمبر اسلام، به فراست کامل یا به علم حاصله از مقام نبوت، گسترش امور را در زمان آینده می‌دانست و در مورد احکام آنچه را با شرایط زمان و مکان هماهنگ بود تشریح می‌کرد، می‌دانست (کمالی دزفولی، ۱۳۷۰، ص ۵۳۰).

به موازات تحولات فوق تاریخ تفسیر قرآن در یک قرن اخیر با نهضت‌های اجتماعی، به‌ویژه جنبش‌های دینی که چون رستاخیز فکری سراسر اقلیم اسلامی را درنوردیده است، درهم‌تنیده است. رویکرد برخی مفسران، که از پیشروان حرکت‌های اصلاحی در جامعه‌های تحت ستم در کشورهای اسلامی بودند، این بود که اصول و مبانی حرکت اسلامی و انقلابی خود را از قرآن بیرون کشند و با بهره‌گیری از آیات الهی، جامعه را علیه ستم زمان بخروشاند و با جلوه‌گر ساختن فرهنگ قرآن در مجاری حیات جوامع اسلامی، گریبان ستم‌دیده آنان را از چنگال ستمگران برهانند و برای انسان سرگشته معاصر ابعاد جدیدی از فلسفه انسان و حیات رقم‌زند کوشش تمامی مصلحان معاصر - با توجه به شیوه‌ها و شاخه‌های فکری گوناگون - بر بیداری انسان از خواب گران قرون و اعصار، با داعیه بازگشت به قرآن بوده است.

گروهی نیز در رویکردی متفاوت کوشیده‌اند تا مشکلات و گره‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌وجود آمده را با تفسیر و توجیه آیات پاسخ‌گویند؛ این حرکت، گرچه گاه پی‌آمدهای ناهنجاری نیز به همراه داشت؛ لیکن با این همه، از سودمندترین و لازم‌ترین حرکت‌ها و جریان‌هایی است که در آستانه قرآن پدید آمده است. این شیوه در تفسیر قرآن، اگر با موازین دقیق و مبانی محکم آن انجام گردد، قرآن را به متن اجتماع آوردن و حیات اجتماعی را بر اساس آن بنیان نهادن و بشریت را از چشمه‌سار گوارای قرآن سیراب کردن و مردم را به سوی جامعه قرآنی حرکت دادن است (نک: شاهرودی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴).

از پیشروان این مکتب تفسیری باید از: سید جمال الدین اسدآبادی و همکار او شیخ محمد عبده (م ۱۳۲۳ ق) یاد کرد. آغاز حرکت تفسیر علمی در مصر را، با آمدن سید جمال به مصر، مقارن دانسته‌اند؛ یکی از نویسندگان مصری می‌گوید: «در مصر بعد از ورود سید جمال الدین اسدآبادی و تربیت شاگردانی مانند عبده تفسیر علمی آغاز شد، زیرا وی به شاگردان تعلیم داد که اسلام با پیشرفت در زندگی و تمدن معارضت ندارد و تفسیر قرآن را با توجه به این مطلب آغاز کرد» (نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۹).

از دیگر پیشروان نهضت اصلاحی که مبنای کار خود را بازگشت به قرآن قرار دادند، باید از: شبلی نعمانی (م ۱۳۳۲ ق)، اقبال لاهوری (م ۱۳۵۷ ق)، ابوالکلام آزاد (م ۱۹۵۸ م)، رشید رضا (م ۱۳۵۴ ق)، مصطفی المراغی (م ۱۳۶۴ ق)، جمال الدین قاسمی (م ۱۳۳۲ ق)، حسن البنا (م ۱۳۶۸ ق)، سید قطب (م ۱۹۶۶ م)، فرید وجدی (م ۱۹۵۴ م) و محمود شلتوت (م ۱۹۶۳ م) و نیز مرحوم محمد غزالی (م ۱۴۱۶ ق)، متفکر معاصر مصر، یاد نمود.

و از نامدارترین تفاسیر سیاسی، اجتماعی پیشگامان فوق می‌توان از ترجمان القرآن (ابو الکلام آزاد)، تفسیر المنار (رشید رضا و عبده)، تفسیر المراغی (مصطفی مراغی)، تفسیر محاسن التأویل (جمال الدین قاسمی)، رسالتان فی التفسیر و سورة الفاتحة (حسن البنا)، تفسیر فی ظلال القرآن (سید قطب)، تفسیر المصحف المیسر (فرید وجدی)، تفسیر القرآن الکریم (شلتوت) نام برد.

البته رویکرد علمی و بیدارگری تنها در آثار تفسیری محدود نگردید بلکه در علوم قرآن نیز عالمانی ظهور کردند که با آثار خود علوم قرآنی را در قرن ۱۴ بارور نمودند که از جمله ایشان می‌توان، شیخ طاهر جزایری (م ۱۳۶۵ ه ق)، شیخ محمد ابو دقیقه (م ۱۳۵۹ ه ق)، شیخ محمد بن علی سلامه (م ۱۳۶۲ ه ق)، شیخ محمد بخیت المطیعی (۱۲۷۰ ه ق-؟)، شیخ محمد حسنین مخلوف (م ۱۳۵۵ ه ق)، شیخ مصطفی صادق الرافعی (م ۱۳۵۵ ه ق)، شیخ عبدالعزیز جاویش (م ۱۳۴۷ ه ق)، شیخ طنطاوی الجوهری (م ۱۳۵۸ ه ق) و شیخ محمد عبد الله دراز (م ۱۳۷۷ ه ق) را نام برد (زرقانی، ۱۳۸۵، مقدمه، ص ۴).

بیداری و نهضت آزادی خواهی و ضد استعماری در شمال آفریقا نیز درست از روزی آغاز شد که محمد عبده - پیرو مکتب سید جمال الدین اسدآبادی که شعارش بازگشت همه مسلمانان به قرآن بود- به شمال آفریقا آمد و همه علمای اسلامی را گردآورد و آنها را دعوت کرد که: به جای

غرق شدن در علوم بیهوده و موشکافی های افراطی و ذهنی در جزئیات بی فایده، به سراغ قرآن روید.

۳-۳. بیداری اسلامی ایرانیان

فعالیت های استعمارگرانه و اقدامات تجاوزکارانه کشورهای غربی، بلایی بود که دامان تمامی کشورهای اسلامی را گرفت و مردم این سرزمین ها و در پیشاپیش آنها، علما را درگیر مبارزه علیه این کشورهای بیگانه ساخت. نمونه هایی از مبارزات ضد استعماری ایرانیان، در زمان عباس میرزا علما و فتوای جهاد ایشان بود که باعث شد تا مردم به رهبری او در چندین جنگ علیه استعمارگران شرکت کردند. بعدها نیز مبارزه علیه دست درازی های این دولت، مورد حمایت آیت الله مازندرانی و مرحوم مدرس قرار گرفت و برای مقابله با سلطه انگلیس جنبش های مختلفی در سراسر ایران پا گرفت؛ از جمله، جنبش مرحوم مدرس در تهران، برازجانی، بهبهانی و محلاتی در فارس، تفنگداران در بوشهر، شهید خیابانی در آذربایجان و میرزا کوچک خان در شمال.

اهمیت و ثمره این حرکت ها از دو جهت عمده مورد توجه بود: اول از آن رو که به حساس شدن رهبران و اندیشمندان به موضوعات پیش آمده، بیداری عموم مردم مسلمان و نیز بالا رفتن آگاهی های اجتماعی و سیاسی انجامید که آثارش در حوزه مباحث دینی و تفسیر مشهود است. دوم آن که هم‌رزمی علیه استعمار، جدایی دو جامعه شیعی و سنی را در جهان اسلام التیام بخشید و زمینه را برای تفاهم در ابعاد دینی و وحدت شیعه و سنی فراهم ساخت. اعلامیه آیت الله شریعت اصفهانی در طرفداری از جنبش سنوسی ها در لیبی علیه سلطه ایتالیا نمونه ای از این هم‌سخنی و همدردی است که در مسئله فلسطین به اوج خود می‌رسد (نفیسی، ۱۳۷۹، ص: ۵۵ و ۵۶).

با وجود مشارکت چشمگیر و تعیین کننده ایرانیان در حیات علمی سده های نخستین تا قرن هفتم، به سبب لطمه و آسیب هولناکی که در اثر عوامل بیرونی و درونی و از جمله یورش مغولان بر پیکر فرهنگ ایرانی وارد آمد، خیلی چیزها و از آن میان، مطالعات زبان‌شناختی قرآن نیز در ایران به محاق فرورفت و جامعه ما چند قرن دچار رکودی تأسّف‌بار شد، تأثیر شوم موانع رشد و توسعه به‌اندازه‌ای بود که حتی در بیداری مجدّد تاریخ معاصر نیز، با اینکه سید جمال خود ایرانی بود اما بیشتر در بیرون از ایران و به‌طور مشخص در مصر نقش خود را بر جای گذاشت.

به همین دلیل نهضت بازگشت به قرآن در ایران، پس از مصر و شمال آفریقا با چند دهه تأخیر تاریخی جوانه زد. از دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی (۷۰ و ۸۰ قمری)، سرخوردگی‌های پس از نهضت مشروطه و ناکامی‌ها و موانعی که حرکت‌های مارکسیستی و ملی با آن مواجه شدند و سایر علل و اسباب موجب شد که موج جدیدی از تحرک مذهبی و گرایش و اقبال به دین در ایران پدید آید و از جمله توجهی تازه، میان قشرهای مختلف، به قرآن و آموزه‌ها و پیام‌های آن برای زندگی و رستگاری بشر پیدا شود.

علامه طباطبایی (م ۱۳۶۰ ش)، به‌عنوان عالمی فرزانه و با امتیازاتی چون تبحر در عرفان و فلسفه و ارتباط با قشرهای فکری جدید در حوزه و بیرون از آن، از اواخر دهه ۳۰ شمسی (۷۰ قمری) به کار تفسیر ارزشمند میزان پرداخت (فراستخواه، ۱۳۷۶، ص: ۱۰۲). تفسیر میزان مانند سایر تفاسیر دوران بیداری مصر چون تفسیر سید قطب نیست که تنها خروش دردمندی از اجتماع جهالت زده‌ای باشد. بینش عمیق علامه در تفسیر نه تنها هدف بسیاری از تفاسیر را به دست می‌دهد، بلکه علاوه بر آنها بهترین بنیان‌های اصیل را برای درک واقعی قرآن و اسلام فراروی انسان قرار می‌دهد و همین نکته است که این تفسیر را برای هر خواننده‌ای جذاب می‌سازد. پس از علامه طباطبایی موجی از توجه به رویکرد موضوعی اجتماعی در تفسیر ادامه یافته است. مفسران بر پایه نقش محوری قرآن در ساخت امور فرد و جامعه، تلاش می‌کنند تا در این رویکرد تفسیری که دریافت فهمی دقیق‌تر از تفسیر ترتیبی قرآن و در حقیقت گام نهادن در مرتبه‌ای متعالی‌تر در عالم تفسیر به شمار می‌رود، تلاش می‌کنند تا نیازهای اساسی بشر در هر زمان مرتفع گردد. بدین ترتیب تفسیر ترتیبی، مقدمه‌ای برای تفسیر موضوعی بوده و در جایگاه و رتبه‌ای پایین‌تر از آن قرار می‌گیرد (نک: یدالله پور، ۱۳۸۳، ص ۱۸۵).

نتیجه‌گیری

۱. بیدارگری از مهم‌ترین رسالت‌های قرآن است؛ بنابراین عصر حاضر، عصر بیداری مستضعفان و مظلومان است. به همین دلیل، تفسیرهای موضوعی عصر حاضر بیشتر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در بر گرفته است و نهضت‌های اسلامی را رونق و حیات بخشیده است.
۲. بهره‌گیری عملیاتی از آموزه‌های قرآن در قرن اخیر و حضور قرآن در عرصه عمل سیاسی بیش از گذشته متبلور شده است؛ نیاز جدی حق خواهان به پارادایم مطمئن و فراگیر بازگشت به

قرآن را در قرن ۱۴ میلادی افزایش یافته است.

۳. مصلحان و روشنفکران دینی از قرآن به‌عنوان نسخه حیات‌بخش بشر و کلام خدا در بیداری و قیام ملت‌ها که تأثیر فراوانی در روحیات و اخلاق مردم مسلمان داشته است، بهره گرفتند. بی‌شک مهم‌ترین گام پس از بیداری مسلمانان که آزمون عملی، عملیاتی نمودن آموزه‌های اسلامی بود باید در راستای ایجاد تمدن اسلامی و ساماندهی درونی جوامع اسلامی نیز از آموزه‌های قرآنی بهره عملیاتی برد. راه برون‌رفت از ناکارآمدی برخی جوامع اسلامی عمل به آموزه‌ای و حیانی به‌خصوص در حوزه عملیاتی (احکام و اخلاق) است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۷۶)، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (قرن ۷)، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۴. یازوی، سید محمد علی (۱۳۸۱)، قرآن اثری جاویدان، رشت: کتاب مبین، چاپ اول.
۵. بیگلری، حسن [ابی تا]، سر البیان فی علم القرآن، [ابی جا]: کتابخانه سنائی، چاپ پنجم.
۶. ثواقب، جهان بخش (۱۳۷۶)، تشبیهات و تمثیلات قرآن، تهران: نشر قو، چاپ اول.
۷. دامن پاک مقدم، ناهید (۱۳۸۰)، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ.
۸. رادمنش، سید محمد (۱۳۷۴)، آشنایی با علوم قرآنی، تهران: علوم نوین، چاپ چهارم.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (قرن ۶)، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت/ دمشق، دارالعلم/ الدارالشامیه.
۱۰. رضائی اصفهانی، محمد علی (۱۳۷۵)، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم: اسوه، چاپ اول.
۱۱. زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵)، ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن، ترجمه: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۳)، تحلیل زبان قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی/ موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۳. شاهرودی، عبدالوهاب (۱۳۸۳)، ارغنون آسمانی، جستاری در قرآن، عرفان و تفسیر عرفانی، رشت: کتاب مبین، چاپ اول.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. عرفان، حسن (۱۳۷۹)، اعجاز در قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول.

۱۶. فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶)، زبان قرآن، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (قرن ۲)، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تصحیح غفاری علی اکبر و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۲۰. کمالی دزفولی، سید علی (۱۳۷۰)، شناخت قرآن (کمالی)، قم: اسوه، چاپ: اول.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۲. مظلومی، رجبعلی (۱۴۰۳)، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، تهران: نشر آفاق، چاپ دوم.
۲۳. معارف، مجید (۱۳۸۳)، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، تهران: نبأ، چاپ اول.
۲۴. ۲۴. ملکی میانجی، محمدباقر، (۱۳۸۹)، نگاهی به علوم قرآنی، ترجمه علی نقی خدایاری، مشهد، ولایت، چاپ اول.
۲۵. مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۲)، آفاق تفسیر مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی، تهران: هستی نما، چاپ اول.
۲۶. نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۱)، قرآن و روان شناسی، مشهد: آستان قدس، چاپ پنجم.
۲۷. نفیسی، شادی (۱۳۷۹)، عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲۸. نقی پور فر، ولی الله (۱۳۸۱)، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران: اسوه، چاپ چهارم.
۲۹. یدالله پور، بهروز (۱۳۸۳)، مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، قم: دارالعلم، چاپ اول.
۳۰. حسنی، حمیدرضا و مهدی علی پور (۱۳۸۹)، «درنگی در معناشناسی و ماهیت شناسی تحلیلی واژه «پارادایم»»، فصلنامه علمی و پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، شماره ۶۳.
31. William E. Shepard, "the age of Ignorance ", in:Encyclopedia of Quran(2001-2005), General editor : Jane Dammen Mcauliffe , leiden. Boston